

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۸۹ تا ۱۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

بررسی جایگزین مجازات حبس از منظر سیاست جنایی در حقوق جزای ایران

محمد رضا حبیبی^{A*} کارشناسی حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهشهر، استان
مازندران، ایران.

چکیده

مجازات‌های جایگزین حبس، مجموعه‌ای از واکنش‌های جزایی است که می‌توانند جایگزین مجازات زندان شوند. این دسته از مجازات‌ها اغلب جایگزین حبس‌های جرائم خرد و کم اهمیت به شمار می‌رود؛ حبس‌هایی که مضار آن بیشتر از فواید آن است و جرائمی که با وجود خسارت‌هایی که به بزه‌دیدگان وارد می‌کند، در زمره جرائم پرخطر نیستند. کمبود فضای زندان، مشکلات بهداشتی و بیماری‌های ناشی از آن، میزان بالای تکرار جرم در زندانیان، عدم موفقیت زندان در اصلاح مجرمین و کم اثر شدن جایگزین‌های سنتی (جزای نقدی، آزادی مشروط و تعلیق) دست اندرکاران سیاست کیفری و جرم‌شناسان کشورها و نهادهای بین‌المللی را به اندیشه کاهش توسل به مجازات حبس در جرایم غیر مهم به عنوان حربه اصلی نظام عدالت کیفری سوق داد. در این میان باید توجه داشت که جایگزین‌های حبس مجازات‌هایی هستند که در راستای سیاست جنایی مشارکتی در بستر جامعه، نه در مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی همانند زندان و مؤسسه‌های مشابه، اعمال و اجرا می‌شود. از جمله این مجازات‌ها می‌توان به دوره مراقبت، جریمه روزانه، کار عام المنفعه، محرومیت از حقوق اجتماعی، تعلیق ساده و آزمایشی، بازداشت آخر هفته، حبس در منزل، سیستم نیمه آزادی و راهکارهایی از این قبیل اشاره کرد. برخی از کشورها مثل فرانسه با فراهم آوردن لوازم و مقدمات امر و نیز اتخاذ مدل سیاست جنایی دولت جامعه مردم سالار (به معنای دقیق و خاص آن) در قوانین جزایی خود به طور گسترده از این مجازات‌ها استقبال کرده‌اند و در عمل نیز به نتایج مثبتی دست یافته‌اند. این در حالی است که در ایران مجازات‌های جایگزین حبس هنوز با استقبال قانون‌گذار مواجه نشده‌اند هر چند که قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ این دسته از مجازات‌ها را مورد پیش‌بینی قرار داده است. در این مقاله سعی خواهیم نمود تا مشخص کنیم در کدام دسته از جایگزین‌های حبس نقش مشارکت مردمی پررنگ‌تر است؟ نقش مشارکت مردمی برای استفاده از این ابزارهای اصلاحی و درمانی با چه چالش‌هایی روبرو هستند؟

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، جایگزین حبس، سیاست جنایی.

^{A*} نویسنده مسئول: Email: mohammad.reza.habibi1407@gmail.com

مقدمه

هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است. ابزار دستیابی به هدف مذکور معمولاً در تدابیر کیفری و ناکیفری جستجو می‌شود. در این میان، بدیهی است هراندازه که سیاست جنایی بیشتر از ظرفیت‌های اجتماعی استفاده کند، در دستیابی به این اهداف توفیق بیشتری حاصل می‌کند. از این منظر به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی و قضایی خود بیشتر مبتنی بر کیفرگرایی بوده و جامعه مدنی جایگاه حقوقی و مداخله عملی چندانی در سیاست‌گذاری، مدیریت امور اجتماعی و قضایی نداشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به‌ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این موضوع صحنه می‌گذارند. اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب آزادی، مشکلات اداره زندان‌ها و تشدید آسیب‌های حاصل از آن موجب تغییراتی در خط‌مشی قانونگذار شده است. در نتیجه این تغییرات، امروز دیگر به زندان همچون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای مسئله جرم نگریسته نمی‌شود، بلکه زندان یک مسئله و مشکل قانونی و ساختاری انگاشته می‌شود که سلامت جامعه ایرانی را به چالش کشیده است؛ از این رو، قانونگذار بر آن است تا با اعمال پاسخ‌های جامعوی این مشکل را کمرنگ سازد. حال با تغییر رویکرد قانونگذار و وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ روزهایی برای اصلاح، درمان و بازپذیری اجتماعی محکومان به وجود آمده است. قانونگذار کیفری با افزایش مجازات‌های جایگزین حبس و در نظر گرفتن پاسخ‌های جامعوی در راستای سیاست جنایی مشارکتی امکان تغییر و بهبود وضعیت زندان‌ها را تا حدود زیادی فراهم ساخته است. قطعاً اعمال جایگزین‌های حبس- مبتنی بر مداخله جامعه مدنی نویدبخش پدیداری سیاست جنایی مشارکتی (کیفری، ناکیفری) خواهد بود که از آموزه‌های جدید مکتب دفاع اجتماعی نوین، کیفرشناسی و جرم‌شناسی الهام گرفته است. رویکرد جدید قانونگذار نسبت به جایگزین‌های ناکیفری و جامعوی جهت پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمان متأثر از این آموزه‌های نوپا است. سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصل نهم این مجموعه به مجازات‌های جایگزین حبس، به پیروی از سیاست‌های کلی راهبردی نظام (مصوب مقام معظم رهبری) و الهام از آموزه‌های جدید در صدد اصلاح و درمان مجرمین و باز اجتماعی کردن آنها و پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف برآمده، که این تغییرات نوید بخش ظهور سیاست جنایی مشارکتی واکنش‌های کیفری در کنار تدابیر غیر کیفری خواهد بود. قطعاً اعمال جایگزین‌های حبس که مبتنی بر مداخله جامعه مدنی باشد سبب اصلاح و درمان مجرمان پیشگیری از تکرار جرم، حمایت از حقوق بزه دیده در راستای عدالت ترمیمی و کاهش جمعیت زندان خواهد شد. بنابراین در این مقاله سعی خواهیم نمود به بررسی آن پردازیم و میزان مشارکت جامعه مدنی را در اجرای آن مورد ارزیابی قرار دهیم.

۱- بیان نظری و مفهومی مجازات‌های جایگزین حبس

۱-۱- بیان نظری مجازات‌های جایگزین حبس

مجازات اجتماعی کیف‌رایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند که در درون اجتماع برای گروهی از مجرمین با نظارت و مراقبت اجتماع و نهادهای مدنی اعمال و اجرا می‌شوند. در مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها و... عهده دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن، دولت و جامعه مدنی در قالب هیأت اجتماع عهده دار پاسخ به پدیده مجرمانه می‌شوند و مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارایی آن به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می‌شوند؛ بنابراین، امروزه به نقش مردم در فرآیند عدالت کیفری بیش از پیش توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به سزایی دارند. حبس یکی از رایج‌ترین ضمانت اجرای کیفری است که علاوه بر هزینه‌هایی که بر دولت و جامعه تحمیل می‌کند، برای بزهکار نیز می‌تواند آثار نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. به همین دلیل باید به جایگزین‌هایی روی آورد که اجرای آنها نه تنها برای جامعه مفید باشد و هزینه‌های کمتری برای آن ایجاد کند؛ بلکه به باز اجتماعی شدن بزهکار نیز کمک کند. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعوی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات اجتماعی اشاره شده بود. از مهمترین خصیصه‌های مجازات جایگزین حبس، دوسویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضایی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند. این رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضایی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یکسویه خارج می‌کند؛ بنابراین، بزهکاران به عنوان یکی از طرفین توافق کیفری فرایند دادرسی، نقشی فعال به شمار می‌روند و این حق را دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام‌های قضایی مبادرت ورزند. چندان که می‌توانند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. قانون جایگزین حبس برای افرادی که بار اول مرتکب برخی از جرائم می‌شوند، اجرا و افراد به جای حبس می‌توانند خدمات عام‌المنفعه‌ای که قاضی تعیین می‌کند، را انجام دهند. از ویژگی‌های دیگر جایگزین‌های حبس این است که قابل برگشت است و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل نکند که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس می‌باشد، دوباره به اجرا در می‌آید. در واقع ضمانت عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم است. همچنین قابل تعلیق، تخفیف و تعقیب از خصیصه‌های جایگزین‌ها حبس بوده که چنانچه به واسطه مانع خارجی، خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً

ممکن نباشد، قابل تعلیق است. در نهایت مجازات جایگزین حبس طوری اعمال می‌شوند که مانع زندگی عادی محکوم نشوند و فرد ضمن اینکه در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل می‌کند. محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسئولیت نسبت به هم نوعانش در وی خاموش نشده و با گذشت مدت زمانی به اجتماع برمی‌گردد. مجازات حبس، به عنوان آخرین راهکار و حربه است و در بسیاری از جرایمی که امکان و شرایط استفاده از نهادهای ارفاقی وجود داشته باشد، احکامی در این خصوص صادر می‌شود. در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس بیان شده شعبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود، همچنین در تبصره ماده مذکور بیان شده است، دادگاه در ضمن حکم، به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد. (دولت آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۵)

۲-۱- مفهوم جایگزین‌های حبس

براساس یک تعریف، مجازات‌های جایگزین عبارت است از تغییر و تعویض مجازات مصرح قانونی به نوع دیگر که مناسب تر به حال متهم باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴).

جایگزین‌های مجازات زندان در مفهوم گسترده آن، هرگونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاهتر کند. در این مفهوم، نه تنها جایگزین‌هایی مانند کار عام المنفعه یا حبس خانگی بلکه تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی نیز در ردیف جایگزین‌ها محسوب می‌شوند. ولی از دیدگاه مقنن ایران کیفرهای جایگزین مجازات سالب آزادی، کیفرهای مصرحی هستند که دارای وصف سزا دهنده و کیفری بوده و برای جلوگیری از آثار منفی حبس در مورد بزهکاران جرایم خفیف مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هنگام صدور حکم دادگاه، جایگزین مجازات حبس می‌شوند. (شمس ناتری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴).

در یک تعریف دیگر مجازات‌های جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجراهای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و ناضروری است بکار گرفته می‌شود. به بیانی دیگر «جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شوند. با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۵۴۰).

۲- آثار جایگزین‌های حبس

توسل به مجازات‌های جایگزین حبس ممکن است موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده زندانی، استفاده از نیروی کار مجرم در جامعه، جبران خسارت بزه‌دیده و رویکرد انسانی و کرامت‌مدار نسبت به بزهکار شود (غلامی و ملکی، ۱۳۹۴، ۱۶۶). «اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان ممکن است ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه، به زندان به مثابه «آخرین حربه» نگریسته می‌شود و تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی دسترس‌پذیر و سودمند باشند، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است.» (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۸). در نظام قانونگذاری ایران، در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس، تاکنون متن قانونی مدون - به این شکل که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده وجود نداشته است. اقدام قانونگذار در پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بیان قواعد و مقررات آن در مواد ۶۴ الی ۸۷، نقطه عطفی در نظام قانونگذاری ایران محسوب می‌شود. البته برخی از این مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران دارای پیشینه قانونی هستند. برای نمونه، می‌توان به محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ الحاقی ۱۳۷۷ اشاره کرد. اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین با چهره‌ای کاملاً جدید پدیدار شده‌اند» (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).

۳- اثرات اجتماعی روانی مجازات‌های جایگزین حبس

ممکن است فردی برای اولین بار جرمی را انجام داده باشد و قاضی هم سهو و خطا را به جای تعمد در آن ببیند. حال تکلیف چیست آیا فرد بایستی در زندان به عواقب جرمی که انجام داده بیندیشد یا می‌تواند اثرات اجتماعی گناهی که انجام داده است را با انجام یک کار مثبت در همان حیطه به خوبی درک کند. هدف از اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ترویج و اشاعه فرهنگ خدمات‌دهی به مردم و توسعه کارهای عام‌المنفعه و تحت تاثیر قرار گرفتن متهم از ورود میدانی به عرصه این نوع خدمات‌رسانی به شهروندان به‌جای حبس که می‌تواند تبعات منفی و جبران‌ناپذیر عذیده‌ای را در پی داشته باشد، است. معمولاً احساس فایده‌مندی و تأثیرگذاری مطلوب در یک اجتماع انسانی با هویت جدید و درپوشش انگاره‌های اخلاقی و رفتاری شایسته یک انسان متعهد و بالایمان، فصل تازه‌ای از تولد مجدد برای انجام بهترین کارها در عالم واقعی است. درواقع در بسیاری از مجازات‌های جایگزین برای حبس قاضی حکم کار و خدمات اجتماعی در همان حوزه را به فرد مجرم می‌دهد. در همین زمینه فرد دو موضوع را از لحاظ روانی به خوبی درک می‌کند. اول اینکه جرم و فعل خطایی که وی انجام داده است چه اثرات سوئی در جامعه داشته است و برای اینکه کار وی رفع شود باید چه میزان کار و تلاش انجام پذیرد تا جامعه به روال مثبت خود بازگردد. از سوی دیگر فرد می‌تواند حس مثبت بودن و اثرات مثبت خدمات اجتماعی که انجام می‌دهد را دریابد و همین موضوع سبب می‌شود که وی شخصیتی اجتماعی پیدا کند. درواقع اغلب افرادی که جرمی انجام می‌دهند و در نقش افراد نابهنجار در جامعه حضور می‌یابند فرصت مفید

بودن برای اجتماع را شاید به خوبی درک نکرده باشند. بنابراین از لحاظ روانی نیز فرد می‌تواند آثار مثبت کار خود را اینبار نه در نقش یک فرد نابهنجار بلکه به عنوان شهروند با مسئولیت ببیند و لمس کند. در شرایطی که فرد اگر در زندان قرار بگیرد قطعاً چنین اثراتی را نه می‌بیند و نه می‌تواند بخشی از خطا و خرابکاری که انجام داده است را جبران کند. درواقع مجازات‌های جایگزین هم برای افراد و هم برای جامعه و کار اجرایی و خدماتی مثبت است در صورتی که زندان رفتن این اثرات مثبت را ندارد. اثرات اجتماعی مجازات‌های جایگزین نیز برای افراد و جامعه بسیار بالاست. ممکن است زندان رفتن یک فرد هم برای وی و هم برای خانواده و اطرافیانش تولید خشونت کند. اما اثرات کار و خدمات اجتماعی که جایگزین زندان می‌شود، این حس و حال و تولید خشونت را اغلب ندارد و حتی اثرات مطلوب روانی و اجتماعی دارد، بنابراین قانونگذار قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مدنظر قرار دادن برخی یافته‌های کیفرشناسی معتقد است که حبس‌های کوتاه مدت آثار مخربی بر فرد می‌گذارد و ضرر آن از سودش بیشتر است؛ لذا به جای این حبس‌ها اکنون مجازات‌های جایگزین حبس را پیش‌بینی کرده است. (قائدی، ۱۳۹۷، ص ۴۴)

با نگاهی به تاریخچه وجود آمدن مجازات حبس و موارد به کارگیری آن به وضوح می‌توان دریافت که حبس از آن دسته مجازات‌هایی است که از قدیم الایام تا به امروز به شکل‌های مختلفی اجرا می‌شود که در این سیر علیرغم توسعه موارد بکارگیری آن شاهد تغییرات و تحولاتی در اوضاع و شرایط استفاده از آن در کشورهای مختلف دنیا هستیم. امروزه پژوهشگران و علمای حقوق، جرم شناسی و جامعه شناسی با قطعیت تمام از دستاوردهای تحقیقات علمی و میدانی خود که با کمی تأمل براحتی قابل درک است و با توجه به اثرات و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی بعضاً غیر قابل جبران، دیگر مجازات حبس را به عنوان مجازاتی با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم و خطا کار برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی به عنوان یک فرد عادی ابزار مناسبی نمی‌دانند و به شدت برای کاهش تبعات منفی آن بر ضرورت بکارگیری مجازات‌های جایگزین حبس تأکید دارند. در این میان از جمله علل و ضرورت‌های بکارگیری ابزارهای جایگزین برای نیل به اهداف اصلی از مجازات مجرم و کاهش پیامدهای منفی حبس با صداقت تمام در نگاهی به آثار زیان بار زندان می‌توان به کاهش بازدارندگی و حالت اربعایی مجازات حبس به دلیل استفاده زیاد در موارد غیرضروری و جرایم سبک و غیرعمدی، صدمات و آلام روحی برای فرد زندانی در نتیجه جداسازی وی از خانواده، بستگان و جامعه، ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد و مانع شدن در بازگشت عادی فرد به اجتماع و عامه مردم، کاهش اثرات تربیتی و بازپروری به دلیل افزایش بیش از حد و غیرمعقول جمعیت زندانیان، بازآموزی جرایم مختلف به دلیل عدم طبقه بندی مناسب ناشی از جمعیت بالای زندانیان و عدم فضای مناسب و کافی برای اسکان زندانیان و تحمیل اثرات منفی و زیان بار بر خانواده زندانی و فرزندان محکوم و تخریب شأن و منزلت اجتماعی فرد محکوم به آنان اشاره نمود. (باقرزادگان، ۱۳۹۸، ص ۳۵).

۴- مزایای مشارکت مردمی در اعمال جایگزین‌های حبس

هدف اصلی قانونگذار از ایجاد جایگزین‌های حبس، اعطاء فرصت بازسازی و باز اجتماعی به مجرم و برگشت وی به آغوش خانواده و جامعه از طریق دور کردن وی از زمینه‌های جرم‌زا و ملزم کردن وی به انجام کارهایی که محکوم را در مسیر اصلاح قرار می‌دهد می‌باشد. جایگزین‌های حبس، موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه‌های حاکم می‌شود، چراکه وقتی شخص به خاطر عمل خلاف قانونی که مرتکب شده است، محکومیت قطعی به حبس می‌یابد، و قاضی صادرکننده حکم، به جای گسیل داشتن وی به زندان، او را در جامعه نگه می‌دارد و وی را ملزم به انجام کارهایی می‌کند که به مصلحت خود اوست و او را برای داشتن یک زندگی سالم و موافق قانون، آماده می‌کند و یا از او می‌خواهد، کارهایی را انجام دهد تا از زمینه‌های ارتکاب مجدد جرم دور بماند، این دستورها را نه به عنوان یک مجازات الزام‌آور بلکه به عنوان یک نصیحت که قصد اصلاح و بازپروری وی را دارد می‌پذیرد. هم چنین، تدابیر جایگزین موجب پرهیز از انگ خوردن محکوم، به برچسب زندانی شده و مجرم را توانا به حفظ روابط خانوادگی‌اش می‌کند. (سلوکی، ۱۴۰۰: ۷۴)

۴-۱- نداشتن خطرهای و عیب‌های زندان

زندان مکانی است که مجرمان اتفاقی و غیرحرفه‌ای در کنار مجرمان حرفه‌ای قرار می‌گیرند. این مسئله سبب می‌شود که مجرمان حرفه‌ای، تجربه‌ها و مهارت‌های خویش را به مجرمان اتفاقی انتقال دهند. درنتیجه، هنگام خروج از زندان، آنان به مجرمان خطرناک کنترل‌ناپذیری تبدیل شوند. از سوی دیگر، زندان تأثیرهای روانی نامطلوبی بر فرد می‌گذارد و از نظر اجتماعی نیز باعث ازهم گسیختگی خانواده‌های زندانیان می‌شود. تدابیر جایگزین حبس نه تنها از خطرهای و مفاسد زندان می‌کاهد و مانع تماس محکومان با مجرمان حرفه‌ای و خطرناک می‌شود (آشوری، ۱۳۹۴: ۴ ص ۱۵۱). بلکه برای جامعه و محکوم فایده نیز خواهد داشت. گذشته از این ایراد کلاسیک، خطر شیوع بیماری‌های مهلکی چون ایدز و هپاتیت به ویژه در میان مجرمان مواد مخدر از بزرگترین عیب‌های امروز زندان به شمار می‌رود. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود عیب‌های برشمرده برای زندان، تحولات بین‌المللی را در زمینه‌ی واکنش در قبال مجرمان، به استفاده‌ی حداقل از مجازات زندان در مقابل به کارگیری جایگزین‌های حبس جهت داده است. (محتشمی، ۱۳۹۶: ۱۴۷ ص).

۴-۲- اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی بزهکار

اصولاً زندان باعث افسردگی روحی و جسمی محکومان می‌شود و حس انتقام جویی آنان را افزایش می‌دهد. حال آنکه، مجازات جایگزین حبس از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می‌شود و از سوی دیگر، حس مسئولیت‌پذیری و اعتماد نسبت به جامعه، وجدان کاری و نظم اجتماعی را در مجرم افزایش می‌دهد و درنتیجه، بازسازی او را در اجتماع آسان می‌کند. (صوبوحی، ۱۳۹۴: ۲۶۸ ص).

به طور کلی، می‌توان گفت که اشتغال به تدابیر جایگزین حبس، روش تربیتی مناسبی است که برای تقویت اراده‌ی مجرمان و عادت دادن آنان به نظم انضباط، رعایت قوانین و مقررات،

همزیستی مسالمت‌آمیز، ایفای نقش اجتماعی و به‌ویژه درک مسئولیت‌های اجتماعی و سرانجام، پیشگیری از زیان‌های نگهداری در محیط بسته، اجرا می‌شود. بیشتر کیفرشناسان زندان‌های کوتاه مدت را به اندازه‌ای زیان‌آور دانسته‌اند که آن را داروی بدتر از درد نام نهاده‌اند؛ چراکه محکوم را در معرض فساد زندان و بیکارگی قرار می‌دهد و به علت کوتاهی مدت آن، به جای اصلاح مجرم، او را تباه و گمراه می‌کند. شرمساری ناشی از تحمل آن، آینده وی را به مخاطره می‌افکند و روح کسانی را که به ویژه برای نخستین بار به گذراندن آن محکوم شده‌اند، به طور عمیق مکدر می‌کند. این درحالی است که این نوع زندان هیچ تأثیری بر احوال مجرمان سرکش و ستیزه‌جو ندارد. (غلامی و حسنی، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

اثر تنبیهی و اربابی جایگزین‌ها از جمله جریمه‌ی نقدی، مانند سایر مجازات‌ها در اثر عادت مجرم به مجازات، از بین نمی‌رود و در مورد تکرارکنندگان جرم، قدرت بازدارندگی خود را حفظ می‌کند. درحالی که این دسته از مجرمان به مجازات زندان و حتی مجازات‌های بدنی عادت می‌کنند و این گونه مجازات‌ها برای آنان تهدید جدی به شمار نمی‌رود. بنابراین، یکی از امتیازهای جایگزین‌ها، جنبه بازدارندگی آنها است. در مورد محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین باید این نکته را ذکر کرد که امروزه در جوامع متمدن و حقوق مدرن، قانون‌گذار سعی می‌کند از طرفی، موارد محرومیت از حقوق اجتماعی را محدود کند و از سوی دیگر، تناسب بین جرم و مجازات را رعایت نماید و خصوصیات اخلاقی و شخصیت روانی و منزلت اجتماعی شخص محکوم را در نظر بگیرد، تا بدین ترتیب این مجازات بتواند خاصیت بازدارندگی و اصلاحی خود را به نحو شایسته ای ایفا کند؛ و درنهایت، جامعه بتواند باحالت خطرناک این دسته از مجرمان و محکومان مقابله نماید، از منافع و مصالح خود دفاع کند، و در جهت حمایت و تثبیت ارزش‌های معتبر فردی و اجتماعی بکوشد. همچنین دادرس در ضمن صدور حکم به مجازات حبس، این اختیار را دارد که محکوم را از هر کدام از حقوق مندرج در ماده ۲۶، که متناسب با جرم ارتكابی می‌داند و محکوم را از زمینه‌های ارتكاب مجدد جرم دور می‌کند، محروم کند. بنابراین همان گونه که ملاحظه می‌شود، محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس، نسبت به محکوم، اثر اصلاحی و خاصیت بازدارندگی دارد، چراکه وی از زمینه ارتكاب مجدد جرم دور شده و در مورد وی شیوه ناتوان‌سازی اعمال شده است. همچنین برای جامعه نیز، فایده اجتماعی دارد، چراکه منافع و مصالح جامعه رعایت شده و در جهت حفظ و حمایت از ارزش‌های معتبر جامعه اقدام شده است. بنابراین با توجه به مطالب بالا این نتیجه حاصل می‌شود که جایگزین‌های حبس با نگهداری شخص در اجتماع و تداوم پیوند شخص با جامعه و خانواده، جلوگیری از قطع ارتباط شخص با هنجارهای موردقبول جامعه و بیگانه شدن فرد با جامعه، جلوگیری از برجسب زدن و آثار بعدی آن بر تکرار جرم، جلوگیری از حرفه‌ای تر شدن و باتجربه‌تر شدن افراد در نتیجه ارتباط با سایر زندانی‌ها، جلوگیری از عادت کردن به مجازات و از بین رفتن قبح عمل ارتكابی، جلوگیری از نابودی پیوند خانواده و آثار بعدی آن بر زندانی و خانواده او، جلوگیری از متوقف شدن وی از حرکت و پیشرفت و از دست دادن شغل که خود جرم‌زا هستند و همچنین با جلوگیری از ایجاد

خود پنداره منفی، افزایش اعتماد به جامعه و جلوگیری از ایجاد کینه، افزایش حس مسئولیت پذیری نسبت به جامعه، افزایش کنترل بر محکوم، جلوگیری از انتقال خرده فرهنگ زندان و درنهایت با پیشگیری وضعی از طریق از بین بردن زمینه‌های جرم زا به وسیله جایگزین‌هایی همچون محرومیت از حقوق اجتماعی می‌تواند تا حد زیادی از تکرار جرم جلوگیری کند و احتمال بزهکاری مجدد افراد را کاهش دهد. (محتشمی، ۱۳۹۶، ص ۸۹).

۵- اقسام جایگزین‌های حبس مشارکت پذیر

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یک فصل جداگانه را به تبیین مقررات مربوط به جایگزین‌های حبس اختصاص داده است و در ماده ۶۴ پنج نوع از مجازات‌های جایگزین حبس را احصاء کرده است که در این مقاله با توجه به موضوع آن تنها به دو نوع از جایگزین‌های حبس که مشارکت پذیر هستند بدین معنی که مردم یا جامعه محلی در اجرای آن دخالت دارند پرداخته خواهد شد.

۱-۵- دوره مراقبت

دوره مراقبت را می‌توان چنین تعریف کرد: «آزادی محکوم به حبس در مدت معین زیر نظارت قاضی اجرای احکام برای انجام دستور یا دستورهای خاصی که مجرم را اجتماعی می‌کند» (زراعت، ۱۳۹۲: ۵۷). دوره مراقبت، مدت زمانی است که در طی آن، محکوم به حبس، به حکم دادگاه، به یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می‌شود. این تعریف از دوره مراقبت در ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی، تصریح شده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، دوره مراقبت به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس، در عمل تفاوتی با تعویق مراقبتی مندرج در بند ب ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ندارد، تنها تفاوتی که می‌توان بین آنها قائل شد، این است که در تعویق مراقبتی، حکم صادر نمی‌شود و متهم قبل از صدور حکم، برای مدتی ملزم به اجرای دستورهای دادگاه می‌شود، اما در دوره مراقبت حکم قطعی به حبس صادر می‌شود، اما دادگاه بنا به مصالحی تصمیم می‌گیرد به جای روانه کردن محکوم به زندان او را در جامعه نگه دارد و وی را برای مدتی ملزم به انجام یک یا چند مورد از دستوراتی که در ماده ۴۳ ق.م.ا ۱۳۹۲ احصاء شده است، بنماید. این دستورها حصری هستند، و قاضی نمی‌تواند محکوم را به اجرای دستورهای غیر از موارد مذکور در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی ملزم نماید. صرفه‌جویی در بودجه عمومی دولت؛ با توجه به اینکه مخارج انجام دستورات دادگاه بر عهده خود محکوم است و تنها هزینه ای که شاید از اجرای دوره‌های مراقبت بر عهده دولت گذاشته شود، هزینه ی نظارت بر اجرای دستورها از جانب محکومان است. که این هزینه‌ها در مقابل هزینه‌ی زندانی کردن افراد بسیار ناچیز است. پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه مجدد، در جریان باز یکپارچگی با اجتماع، افزایش اعتماد محکوم به طور خاص و اعتماد عمومی به‌طور عام به دستگاه‌های حاکم، ایجاد اعتماد در جامعه؛ می‌توانند از فواید این نوع از جایگزین‌های حبس باشد. این گونه برنامه‌های مراقبتی، باهدف انصراف از زندان استفاده می‌شود و بدین ترتیب، به میزان فراوانی از ورود مجرمان

به زندان جلوگیری می‌شود. ضمن اینکه باید یادآور شد، در اجرای دوره‌های مراقبت، علاوه بر تأکید بر اصلاح و درمان محکومان، تا حد زیادی بر نظارت مناسب بر آن‌ها نیز تأکید می‌شود، چراکه در صورت نظارت مناسب بر اعمال آنها در دوره مراقبت، می‌توان تا حد زیادی از اعمال بزهکارانه آنها جلوگیری کرد و آسایش عمومی را فراهم آورد. (غلامی و حسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸).

۲-۵- خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی رایگان به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه صورت می‌گیرد (خالقی، ۱۳۸۶، ص ۳). کار عام‌المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای ارتكابی خویش برآید (واحدی، ۱۳۸۷، ص ۳۱). کیفر خدمات عام‌المنفعه، کار مجانی - به مقدار و ساعت معین و با موافقت محکوم - برای یک مؤسسه، اتحادیه یا نهاد عمومی، تحت نظارت قاضی اجرای کیفرها اعمال می‌شود. (کاشفی، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

امروزه، کار عام‌المنفعه نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای مرتکب شده، برآید. به عبارت دیگر، خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه یکی از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و باهدف جبران خسارت از بزه دیده و ترمیم نظم مختل شده ی جامعه به وسیله او از رهگذر انجام یک کار رایگان برای جامعه - مورد حکم قرار می‌گیرد. از آنجاکه حکم به خدمات عام‌المنفعه محدودیت‌های جسمانی و روانی برای شخص محکوم در بردارد، مجرم باید نسبت به اجرای آن راضی باشد؛ یعنی مجرم حق دارند کاری که از آنها خواسته شده است را با رغبت و تمایل انجام دهند و فقط در این حالت است که کارمحول شده را درست انجام خواهند داد. به طور کلی می‌بینیم که امروزه این ضمانت اجرای بینابین به تدریج از یک جایگزین غیر سالب آزادی، به مجازاتی که هدف آن فراهم کردن یک تدبیر مستقل و نرمش‌پذیر و وسیله ای برای ترمیم و بازسازی است، تغییر مفهوم یافته است. کار عام‌المنفعه را می‌توان وسیله ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت در مجرم و شیوه مثبت و مؤثری برای جبران خسارت جرم‌های ارتكابی آنان به‌شمار آورد که رشد شخصی و عزت نفس مجرم را نیز ارتقاء می‌بخشد. خدمات عام‌المنفعه به مجرم نشان می‌دهد که هرچند جامعه از مجرمیت او متأثر شده است، می‌تواند به او به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده نه مخرب و زیان‌آور نیز بنگرد. به عبارت دیگر، کار عام‌المنفعه آمیزه ای از مجازات و بازسازی است که در کنار هم موجبات بازسازی مجرم را فراهم می‌کند. از آنچه در سطور بالا ذکر شد، چنین برمی‌آید که هدف اصلی خدمات عام‌المنفعه یا حداقل آنچه امید دستیابی به آن می‌رود شامل باز یکپارچگی اجتماعی مجرم از طریق اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان است. افزون بر آن، با خدمات عام‌المنفعه می‌توان به هدف‌های زیر نیز رسید: مجازات و تنبیه مجرم با ملزم کردن او به انجام کاری که از نظر اجتماعی سودمند است و وقت شناسی و پذیرش هدر ندادن وقت آزادی که برای مجرم باقی می‌ماند؛ جبران خسارت و منتفع کردن جامعه با انجام کاری سودمند برای جامعه؛ منتفع کردن

جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگر امکان پذیر نیست. بدین ترتیب، می توان گفت که هدف کارهای عام المنفعه فراهم کردن یک مجازات اجتماعی ارزشمند و سودمند است، که می تواند باعث باز سازگاری، اصلاح و کاهش تکرار جرم شود.

خدمات عمومی رایگان، جایگزینی است که مستلزم همکاری جامعه، کارفرمایان، موسسات دولتی (مانند شهرداری ها) با دستگاه قضایی است و بنابراین نمادی بارز از سیاست جنایی مشارکتی محسوب می شود؛ زیرا این کار باید برای جامعه انجام شود نه لزوماً برای دستگاه قضایی. به طور خلاصه شرایط اساسی برای اجرای موفقیت آمیز طرح خدمات عمومی عبارتند از:

الف) مشارکت دستگاه قضایی: این امر، مستلزم برداشتن گامهای موثری از سوی قوه قضائیه در زمینه آموزش و تبلیغات است. در این خصوص، باید رهنمودها و راهکارهای لازم به قضات دادگاه ها داده شود؛ چرا که اجرای موفق خدمات عام المنفعه مستلزم اراده و تعهد قضات دادگاه ها است.

ب) مشارکت مردم و جمعیت های محلی: برای به نتیجه رسیدن این اقدامات، جمعیت های محلی، شوراهای محلات و... باید در اصلاح و بازسازی مجرمان از رهگذر خدمات عام المنفعه، شرکت فعال داشته باشند.

ج) مشارکت رسانه های گروهی: برای حساس کردن جامعه و دگرگون کردن نگرش های اجتماعی در جهت شناساندن امتیازهای طرح خدمات عمومی باید از رسانه های گروهی در زمینه تبلیغات این طرح، استفاده موثری بشود.

د) مشارکت سازمان های غیر دولتی: سازمان های غیر دولتی باید در اجرای طرح خدمات عمومی در تمام سطوح مشارکت داشته باشند. آنها همچنین در سیاست گذاری های مربوط در حد ارائه توصیه و راهکار، باید شرکت کنند.

ه) تصویب یک متن قانونی: برای تضمین این امر که خدمات عمومی به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری، دارای یک مبانی قانونی باشد تا حد امکان، متنی قانونی در بردارنده مقررات مورد نیاز در این زمینه به تصویب قوه مقننه برسد. (آشوری، ۱۳۹۴، صص ۳۲۹-۳۳۰).

۶- ارزیابی مشارکت مردمی در مجازات های جایگزین حبس

مجازات های جایگزین حبس، به بهترین وجه ممکن، تداعی گر پذیرش یک سیاست جنایی مشارکتی هستند، زیرا این دسته مجازات ها در بستر جامعه و نه در نهادهای دولتی (زندان و مؤسسه های مشابه) اعمال می شوند. برای نمونه بانک ها محل اجرای حکم جریمه روزانه، یعنی دریافت آن، خواهند بود یا ممکن است خدمات عمومی در بیمارستان ها، خانه های سالمندان و... اجرا شود. با اجرای این مجازات ها بزهکار در جامعه باقی می ماند و در واقع آزادی خود را در عین تحمل کیفر صادر شده، حفظ می کند (قاسمی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۳۳؛ رستمی، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

برخی از مجازات های اجتماعی مستلزم این است که دادرس با متهم به گفتگو بپردازد و در مورد صدور مجازات اجتماعی با وی به توافق برسد. همین طور دادرس مسئول اجرای مجازات های اجتماعی با مشارکت مردم و جامعه مدنی انجام وظیفه می کند. واضح است که چنین ملزوماتی که

پیرامون مجازات‌های جایگزین حبس مطرح است، از یکسو انعکاس مؤلفه‌های پارادایم عدالت ترمیمی را در جامعه بیان می‌کند که به معنی بسترسازی لازم در راستای ایجاد یک نظام قضایی متمدن است و از سوی دیگر، با نهادینه ساختن تدریجی فاصله گرفتن از رویکرد سزاگرایی محض در ابعاد مختلف- از جمله کاهش توسل به کیفرهای محدود کننده و سالب آزادی رفته‌رفته روش منطقی و مقرون به صرفه پرهیز از آثار سوء سیاست کیفری تسامح صفر و در بعد دیگر کاهش جمعیت کیفری زندانها را در جامعه جلوه عینی میبخشد. از این رو به طور کلی اصولاً کارآیی مجازات‌های جایگزین حبس، مثبت ارزیابی می‌شود.

۷- چالش‌های مشارکت مردمی در جایگزین‌های حبس

جایگزین‌های حبس به عنوان جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی در بستر جامعه اجرا می‌شود و مشارکت مردم و جامعه مدنی در مرحله اجرای این نوع از مجازات‌ها فوق العاده اهمیت دارد. هرچند در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به «مشارکت مردمی و نهادهای مدنی» به عنوان یکی از لوازم کیفرهای اجتماعی اشاره شده است. این درحالی است که سیاست جنایی ایران یک مدل سیاست جنایی دولت اقتدارگرا می‌باشد که هنوز از اندیشه‌های جرم شناسی و سیاست جنایی مشارکتی آن طور که باید و شاید تأثیر نپذیرفته است، از این رو صحبت از مشارکت مدنی در اتخاذ و اجرای واکنش علیه بزهکاری در این نظام کیفری بی‌معنی می‌نماید، زیرا در این سیاست تمامی قدرت در اختیار دولت است و مادامی که این سیاست تعدیل نشود، قوانین کیفری در مقام عمل توفیقی حاصل نخواهد کرد. بنابراین عدم بسترسازی مناسب در این زمینه، بدون تردید اجرای مجازات‌های جایگزین حبس را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت. علاوه بر حقیقت فوق، بی‌شک مقدمه لازم در عرصه اجرای هرچه موفق‌تر مجازات‌های اجتماعی، نهادینه ساختن مؤلفه‌های بنیادین عدالت ترمیمی، از جمله سیاست‌های سازش و میانجیگری، در جامعه است، چراکه تجربه عملی سایر کشورها از جمله فرانسه، نیوزلند و استرالیا ثابت کرده است که اگر برنامه‌های ترمیمی مثل سازش، میانجیگری و... در مراحل اولیه دادرسی تا مراحل بالاتر آن ادامه پیدا کند، قطعاً اجرای آنها می‌تواند در جامعه‌پذیری حقوقی بزهکاران در راستای پذیرش مجازات‌های اجتماعی (چنانچه بعداً مورد حکم قرار بگیرد) مستقیماً ثمربخش باشد. به عنوان مثال وقتی پرونده‌ای به میانجی ارجاع می‌شود و متعاقب آن بزهکار با بزه‌دیده به گفتگو می‌نشیند و در پایان در حق وی اظهار ندامت و پشیمانی می‌کند، می‌توان به این امر امیدوارتر بود و واقعاً از زشتی عمل خویش اطلاع حاصل کرده و در واقع به نحو مؤثرتر و با طیب خاطر بتواند در راستای اصلاح آثار ناگوار جرم در حق جامعه و بزه‌دیده اقدام کند.

مضافاً اینکه با ورود بزهکار به نهاد غیررسمی میانجیگری، حسب تعاملی که او با افراد درگیر در این نهاد پیدا میکند، امید بیشتری می‌رود که او به نحو مؤثرتری مجدداً جامعه پذیر شود و در صورتی که واکنش اجتماعی علیه او اتخاذ شود با تمایل، حسن نظر و احساس تعهد بیشتری از آن استقبال کند تا شاید بدین نحو توانسته باشد گامی مؤثر در مسیر تقلیل آثار زیانبار جرم ارتكابی نسبت به بزه‌دیده و جامعه بردارد. چالش دیگر مربوط به فرآیند اجرای احکام در ایران

است. تجربه سایر کشورها در اجرای مجازاتهای جامعهمدار نشان داده است که قاضی اجرای احکام ناظر به مجازاتهای مذکور، از یکسو باید آموزشدیده و دارای تخصص لازم باشد و از سوی دیگر، قاضی اجرای احکام باید بتواند رأساً در مجازاتهای تعیینشده در جهت تخفیف یا تشدید دخل و تصرف کند؛ این در حالی است که در ایران به طور کلی مجریان اجرای احکام نسبت به سایر پرسنل قضایی از تخصص متمایزی برخوردار نبوده و نیز در فرآیند اجرای احکام قاضی مربوط، هیچ اختیاری برای دخل و تصرف در حکم ندارند.

نتیجه گیری

ناگفته پیداست که هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است. ابزار دستیابی به هدف مذکور معمولاً در تدابیر کیفری و ناکیفی جستجو می‌شود. بدیهی است هراندازه که سیاست جنایی بیشتر از ظرفیتهای اجتماعی استفاده کند، در دستیابی به این اهداف توفیق بیشتری حاصل می‌کند. از این منظر به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی و قضایی خود بیشتر مبتنی بر کیفرگرایی بوده و جامعه مدنی جایگاه حقوقی و مداخله عملی چندانی در سیاست‌گذاری، مدیریت امور اجتماعی و قضایی نداشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به‌ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این موضوع صحنه می‌گذارند. اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب آزادی، مشکلات اداره زندان‌ها و تشدید آسیب‌های حاصل از آن موجب تغییراتی در خطمشی قانونگذار شده است. در نتیجه این تغییرات، امروز دیگر به زندان همچون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای مسئله جرم نگریسته نمی‌شود، بلکه زندان یک مسئله و مشکل قانونی و ساختاری انگاشته می‌شود که سلامت جامعه ایرانی را به چالش کشیده است؛ از این رو، قانونگذار بر آن است تا با اعمال پاسخ‌های جامعوی این مشکل را کمرنگ سازد. سیاست جنایی تقنینی با به کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس تمایل به مشارکت دادن جامعه در پاسخ‌دهی به انحرافات دارد، اما این سیاست در مرحله قضایی (اعمال قانون) کمتر مورد استفاده قرار گرفته است؛ از این جهت ضروری است قضات در معرض آموزش‌های نوین کیفرشناسی قرار گرفته و در عین حال سازوکارهای اجرایی و اداری لازم برای استفاده آنان از پاسخ‌های جایگزین حبس، فراهم گردد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس مستلزم کاهش کیفرگرایی در سطح اجتماع و افزایش آگاهی عمومی است؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند که در نتیجه افزایش آگاهی عمومی از آثار زیانبار حبس، پذیرش اجتماعی جایگزین‌ها بیشتر شده، قضات و سایر کارگزاران اجرای عدالت کیفری، به نحو مناسب‌تری از آنها استفاده خواهند کرد. همچنین براساس تحقیقات، مردم دارای دانش دقیق بسیار کمی راجع به جرم و نظام عدالت کیفری هستند، اما آنگاه که اطلاعات بیشتری دریافت می‌نمایند، میزان کیفرگرایی آنها به شدت کاهش می‌یابد و هرچند سیاست جنایی مشارکتی متأثر از شیوه قانونگذاری است، این تأثیرپذیری هرگز به معنی تشابه و تطابق کامل

نیست. قضات در هنگام روبرو شدن با متهم، تحت تأثیر آموزش‌های پیشین، فرهنگ، خلاقیت و اخلاقیات خود و با استفاده از کتاب قانون به تقابل با جرم و مجرم می‌پردازند. قضات با تفسیر مضیق به نفع متهم در موارد ابهام یا سکوت می‌توانند عدم تحقق شرایط جرم و وجود کیفیات مخفف و معاذیر معاف‌کننده را مورد حکم قرار دهند. همچنین، قاضی می‌تواند از تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده و از مجازات تکمیلی صرف‌نظر کند. در مرحله اجرای مجازات نیز مقامات اعمال‌کننده مجازات سالب آزادی می‌توانند از طریق فراهم کردن زمینه عفو و آزادی مشروط یا اعمال روش نیمه‌آزادی یا کیفر پایان هفته‌ای در امر کیفردایی گام بردارند. اما آنچه امروز مشخص شده این است که قانون‌نویسی نامناسب با مشکلات عدیده فرهنگی، اجتماعی و آموزشی در دستگاه قضایی تکمیل می‌شود و برخلاف انتظار و در تقابل با اصول بنیادین حقوق کیفری (اصول حقوق بشری، اصل حداقلی بودن مجازات، حق بر اصلاح و درمان و...) قضات به صورت بسیار محدود به مجازات‌های جایگزین حبس و دیگر پاسخ‌های اصلاحی و درمانی توجه نشان می‌دهند. از این رو پیشنهاد می‌گردد که دیدگاه‌های قضایی به سمت مجازات‌های جایگزین نوین از جمله دوره مراقبت، خدمات عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، نظام نیمه‌آزادی و تعویق صدور حکم بیشتر جلب شود. این امر نیازمند علمی کردن قضاوت‌ها است، چنانکه باید تبیین و آموزش مجازات‌های جایگزین حبس نوین برای قضات ضروری شود. همچنین، اصلاح قوانین مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، به خصوص مجازات‌های جایگزین حبس نوین، با این رویکرد که تا حد ممکن استفاده از آنها برای قضات تسهیل شود ضروری است. علاوه بر این، روزآمد شدن اطلاعات حوزه آسیب‌های اجتماعی و آموزه‌های نوین جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی، حق بر مجازات نشدن، پیشگیری و درمان مجرمان و...) برای قضات و وکلا و توجه دادن آنها به نتایج سوء کیفر حبس لازم است. از همه مهم‌تر بسترسازی فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی برای اجرای این مجازات‌ها نباید نادیده گرفته شود.

مراجع

- [۱] اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، ج ۳، تهران، انتشارات میزان،
- [۲] باقرزادگان، رضا، ۱۴۰۱، ضرورت‌های بکارگیری مجازات‌های جایگزین حبس، تهران، نشر توحید، ج ۱، چ ۱.
- [۳] حاجی تبار فیروزجائی، حسن، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۶.
- [۴] خاکسار، داوود، ۱۴۰۰، عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس، تهران، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۵] خالقی، ابوالفتح، ۱۳۸۶، کار به جای زندان، فصلنامه علمی و پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.

- [۶] دولت آبادی. سید محمد، ۱۳۹۹، بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، تهران، انتشارات توسیرکانی، ج ۱، چ ۱.
- [۷] رستمی، ولی، ۱۳۸۴، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- [۸] روزبهانی. محمد، ۱۳۹۷، بررسی جایگزین‌های حبس در نظام قضایی ایران (با تأکید بر اصل تناسب)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، فصلنامه حقوق تطبیقی.
- [۹] زراعت، عباس، ۱۳۹۴، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات ققنوس.
- [۱۰] زینالی. حسین، ۱۳۹۹، مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر روشن
- [۱۱] شمس ناتری، ابراهیم؛ و همکاران، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- [۱۲] صبوچی، رحمان، ۱۳۹۴، عدالت ترمیمی در نظام کیفری موضوعه ایران، تهران، انتشارات مجد.
- [۱۳] غلامی، علی؛ حسنی، پیمان، ۱۳۹۶، راهبردهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، انتشارات میزان.
- [۱۴] غلامی، میثم؛ ملکی، امین، ۱۳۹۴، مجازات‌های جایگزین حبس و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم، فصلنامه پیشگیری از جرم، سال دهم، شماره ۳۷.
- [۱۵] قاسمی مقدم، حسن، ۱۳۸۵، زیبایی میزان اثربخشی مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا، پایاننامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- [۱۶] کاشفی، حسین، ۱۳۸۰، کیفرهای جایگزین زندان در حقوق فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۶.
- [۱۷] گلدوزیان، ایرج و قاندي، مریم، ۱۳۹۷، مجازات‌های جایگزین حبس و تاثیر آن بر اجتماع، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی
- [۱۸] محتشمی، ندا، ۱۳۹۹، نظریه تعامل گرایی در جرم شناسی و سیاست جنایی، تهران، انتشارات مجد.
- [۱۹] نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، ۱۳۹۳، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش،